



دین استحماری و خمار کننده

سال ۶۱ هجری بر مآذنه ها شعار توحید بود و مردم رو قبله نماز می خواندند. احکام شرعی فردی و جزیات دین به راه بود اما اصل و محور دین یعنی عدالت در خطر بود. عدالت محور دین است و بدون آن آیات و روایات در جهت استعمار و استعمار و ظلم به کار می رود.

۱۳۹۵ شمسی برایشان معنا و جایگاهی ندارد. این ها به دنبال مراسم و یادمان و یادبود برای حسین اند. در واقع حسین را احیا نمی کنند بلکه هر سال فقط آن را می کشند. ما آدم پرست و شخص پرست که نیستیم. اگر حسین برایمان جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد بخاطر راهی است که رفته نه چشم و ابرویی که داشته. دنبال عزا هستیم تا به راهش برسیم. تا مبارزه اش ادامه پیدا کند. اگر هیئتی عزایش را بگیرد و سخنرانی را داشته باشد ولی فقط عزایش گرفته شده باشد و بر لب تشنه اش گریه شده باشد فایده ای ندارد. چرا که حسین وسیله شناخت راه است. محرک و زنده کننده عشق برای رفتن مسیر است نه هدفی که باید هر سال و هر سال بر آن گریست و تمام.

آرمان حسین چه بود؟ آن بود که هر سال برایش گریسته شود؟ هیات و سخنران ها و روحانیونی وجود دارند که آرمان حسین را بیان نمی کنند و به مخاطب تصویر درستی از جامعه مورد پسند امام حسین نمی دهند. مردم را نسبت به آرمان ها متوهم بار می آورند و شنونده بدون درک درست از موضوع، فکر میکند در حال طی کردن مسیر اهل بیت است. بر سجاده ها روی مهر های کربلایی سجده های طولانی می کنند اما ذره ای فهم از حسین زنده ندارند و عزاداریشان آن ها را علیه ظلم نمی شوراند.

ما در اینجا داریم عده ای را که برای حسین سینه میزنند و گریه می کنند ولی ذره ای اعتقاد عملی ندارند که باید راه حسین را رفت. اصلا حسین را در تاریخ محو کرده اند و فقط عزایش را گرفته اند. ولایت و پیروی از ایشان را تیکه ای از تاریخ می دانند. به یزید و شمر و خولی لعن میفرستند و در هیات شاید برای لعن کردن و هروله کردن و لطمه زدن عربده هم بکشند ولی کاری ندارند که همان ولایت تعریفش الان چه می شود و در شرایط فعلی چه باید کرد.

خود را محب و دوستدار اهل بیت میدانند، سینه میزنند و گریه می کنند و بعضا مداح و یا آخوند هم هستند اما امام حسین (ع) را فقط در تاریخ دوست دارند و فقط در ۱۰ روز آخر کربلا بیانش می کنند. اگر از آن ها بپرسید ظلم امروز چیست و راه کجاست در بهترین حالت میگویند یزید زمان، آمریکاست. آمریکا که تکلیفش مشخص است اما یزید مسلمان بود. باید دنبال ظلم در داخل همین بلاد اسلامی گشت.

این ها دنباله رو همان ادبیات لیبرال هستند اما این بار لیبرال مذهبی. مذهبی که فقط به خودش مربوط است و برایش تکلیف نمی آورد که باید با ظلم و فساد و قاچاق کالا و اشرافیت و ربا مبارزه کرد.

حسین را مرده تعریف میکنند و به حسین زنده کاری ندارند. دنبال آنند که مخالف حسین در ۶۱ هجری که بود ولی دستورات و ولایت حسین در

بی راهه های خانه فرهنگ

چارچوب هایی که فعالین دانشگاه را به امور دسته چندم و بی خود سوق می دهد



دانشگاه محیط بسیار خوبی است برای رشد دانشجویان. محیط خوبی برای رشد علمی، فکری و کار جمعی و تشکیلاتی. به این منظور که شکل ها، کانون ها و انجمن های مختلفی وجود دارد که اگر به خوبی هدایت شوند می توانند تغییرات جدی را در جامعه ایجاد کنند. اما متأسفانه عوامل و نهادهای مختلفی به این گروه های دانشجویی آدرس غلط می دهند و به روایتی آن ها را به دنبال نخود سیاه می فرستند.

به جای مدیریت کردن این گروه ها و استفاده از نیروهای جوان فعال برای حل مشکلات، قصد آن دارند که فکرهای نو و خلاق را در یک چهارچوب بسته بگنجانند که اینگونه خلاقیت و جوانه ی فکری جوانان سوزانده می شود.

انجمن ها را با جشنواره حرکت و بزرگ کردن فعالیت های مربوط به جشنواره و امتیاز گیری برای جایزه و مطرح شدن گمراه می

کنند. آن هم فعالیت هایی که ممکن است به امور جامعه ربط داشته باشد و یا نداشته باشد که بر اساس آنچه که در انجمن های رشته های مختلف دیدم همه کارها از جنس حل مشکلات جامعه نبود!! و شکل ها را با اداری کردن دانشجویان و کشیدن آن ها در امور فرهنگی و امتیاز دهی به برنامه های خاص فرهنگی نظیر راهیان نور و همایش ها و از این دست مسائل به بیراهه سوق میدهند که در نهایت دانشجویان به این سمت میروند که به برنامه های پرسروصدا هرچند کم محتوا پردازد. این می شود که سطح تحلیل دانشجویی به حداقل می رسد و اصلاً تحلیلی نمیکنند و کارش بر اساس تحلیل نیست بلکه کارش بر اساس امتیاز و همایش و بیلان پیش میروند. باید گفت همه در حال نقش بازی کردن در یک پازل بی خود و بی نتیجه و خنثی هستیم که کارهایمان نه جایی را خراب میکنند و نه جایی را می سازد

بلکه از جنس سرگرمی است. میزان سنجش شکل ها می شود مقدار حضور تعداد افراد شکل در امور فرهنگی و یا میزان خرج و یا حیف شدن بیت المال. دیگر مهم نیست که چقدر از کارهای دانشجویان و کارهای تربیتی آن ها در این چهارچوب تعریف شده نمی گنجد. از طرفی اصرار و پافشاری هم می کنند که شکل ها خود را بر اساس امور فرهنگی وفق دهند و بشوند تعدادی دانشجویی که هر روز باید بروند توی خانه ی فرهنگ و حضوری بزنند و کاری، گزارش کاری، نامه ای و... ببرند. این روند به آن می انجامد که دانشجویان اولاً کمتر فرصت انجام برنامه های خود را دارد چون در یک روال اداری می افتد که کار فرهنگی و تربیتی روالی خارج از روال اداری می طلبد و دوماً چندان وقتی برایش نمی ماند که فکر کند و حرف نو بزند.

صادق پورهاشمی / عضو اسبق انجمن علمی اقتصاد / مدیر مسئول سابق نشریه اکونومیست / عضو شورای مرکزی مجمع دانشجویان عدالتخواه

۱۱ کمیسیون بی نتیجه در برنامه فرمانداری؟!!

مسئله را بیان کنید.

۲. آقای ملانوری چندی بود که شما برای اقدامات در راستای اقتصاد مقاومتی ذهن ها را به سمت همایش تدبیر، تلاش و توسعه جهت می دادید. ما به عنوان مخاطب برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی چشم امید به این همایش دوخته بودیم تا تلاش زحمات چند هفته کارگروه های شما را مشاهده کنیم اما شما چنین همایش بزرگ و پرسروصدایی برگزار کردید که به میتینگ سیاسی هم شبیه بود چرا که از اشخاص سیاسی نیز بازفایمی شد! از این که بگذریم شما در پایان این همایش هیچ گونه برنامه ای را برای توسعه ارائه ندادید. پس اساس فلسفه این برنامه چه بود؟ نباید در این سال همه برنامه های اقتصادی را با پسوند مقاومتی اجرا کنیم. این سوال مطرح است که معرفی ظرفیت های محلی چقدر در پازل اقتصاد مقاومتی است و چقدر از مسئله اقتصادی شهر را حل می کند؟ با موکول کردن اعلام برنامه ها به آینده، آیا ما همچنان باید منتظر و راضی و خرسند در اجرای اقتصاد مقاومتی باشیم؟ ابهام این موضوع باید رفع شود تا مشخص باشد که اعلام این برنامه ها چه زمانبندی و چرا در پایان این همایش بیان نشدند؟

که برای مشکلات شهرستان از آقای ملانوری، فرماندار شهرستان، حرف هایی می شنویم که نیاز به بررسی دوباره دارد.

راه حل فرمانداری برای حل بحران آب چیست؟

۱. آقای ملانوری شما چندی است که روی مسئله بحران آب تأکید بسیار زیادی دارید و در رسانه ها به دفعات از این مسئله یاد میکنید و کمبود آب را باعث کاهش محصول و ضرر و زیان کشاورزان می دانید. اما آیا در برنامه شما به غیر از بستن چاه ها و یا گذاشتن کنتور بر سر آن ها برنامه جدی دیگری وجود دارد؟ برنامه ای برای افزایش منابع آبی و سطح عرضه آب دارید؟ ما از بحران آب می شنویم ولی از راه حل ها و میزان رفع این بحران چیزی نمی شنویم. مردم از بحران اطلاع دارند و حتی آن را لمس می کنند و شما و دیگر مسئولین شهر را ناجی این مسئله می پندارند. از شما انتظار نمی رود مانند دیگر مردم فقط

کردشگری خواهیم داشت. وی تصریح کرد: برگزاری کارگاه های تخصصی همایش در تاریخ ۲۸ شهریور در حوزه های اقتصاد، کشاورزی و صنعت، سلامت و امنیت، فرهنگ و آموزش در دانشگاه های علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و مجتمع مس سرچشمه صورت می گیرد. فرماندار افزود: با شرکت نخبگان و افراد برجسته رفسنجان داخل و خارج از کشور در کارگاه های تخصصی این همایش از نظرات و تجارب آن ها استفاده می شود. وی اذعان داشت: نتیجه جمع بندی مباحث ۱۱ کمیسیون تخصصی در ۲۸ شهریور اعلام خواهد شد. فرماندار افزود: در روز ۲۹ شهریور مراسم اختتامیه این همایش با به تصویب رسیدن مباحث کمیسیون در تدوین صنعت توسعه رفسنجان و ایجاد تفاهم نامه هایی بین بخش خصوصی و دولتی و تجلیل از سرمایه گذاران و واقفین به کار خود پایان خواهد داد. فرماندار از همه خواست به دور از جناح و نگاه سیاسی تلاش کنند و هرکس در هر کجا ایده و توانمندی دارد در این همایش ارائه دهد.

از الزامات سال اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل، عمل کردن است نه شعار دادن. در این راستا در رفسنجان نیز باید انتظار اقدام و عمل را داشت. چندی است

عدالت سخت‌ترین آرمان

امروز سر آغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله عدالت است

عمل برنامه ریزان، ثروت های سربرآورده در دستان کسانی که تا چندی پیش تهی بودند، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پررویی آنان همه گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید... این‌ها و امثال آن نقطه های استفهام برانگیز است که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته میشوند پاسخ می‌طلبد. «بنابراین میبایست فریاد مطالبه‌گری برای این آرمان بلند آغاز میشد که جمعی از دانشجویان آن دوران عَلم این مطالبه‌گری را بدست گرفتند و اکنون ما در رفسنجان در پی تحقق این آرمان (عدالت) هستیم. برنامه های تلویزیونی «ثریا» و «هم‌قصد» و ایتان (کانون های تفکر ایران) از رویش های این تفکر هستند.

محمدصادق بخشی

بودند. تلاششان تامین منافع حزبی شان بود نه خدمت به مردم. دم از پیگیری و انجام منویات مقام معظم رهبری میزدند اما فقط دغدغه صنف و سازمان و جریان خود را داشتند. خودشان درگیر و بعضا از گردانندگان فسادهای اقتصادی بودند. حتی هنگامی که رهبری بصورت واضح و مشخص به قوای سه گانه فرمان مبارزه جدی با مفاسد را میدهند باز هم اقدام جدی از سوی مسئولین صورت نمی‌گیرد و تنها به برگذاری همایش‌ها و ذکر نام مبارزه با فساد در شعارهای انتخاباتی شان بسنده میکردند که البته کماکان هنوز همین روند وجود دارد. بعد از آن رهبری پیامی خطاب به همگان خصوصا دانشجویان دارند که در آن آمده: «امروز سرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله عدالت است... مسابقه رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنایی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و

نفع خود مصادره کنند و بر زر و زورشان بیفزایند. پس از رحلت امام این جریان فضا را برای خود بازتر میدیدند چراکه امت حزب الله در یاد امام و شهدا مانده بودند و تمام دغدغه شان موی سر دخترکانی بود که سوار بر ماشینهای دهها میلیونی در خیابان‌ها ویراژ میدادند و اصلا مسئله شان این نبود که آن ماشین گران قیمت از کجا آمده است؟! در این میان رهبر انقلاب که به تنهایی انقلاب را به پیش می‌بردند این هشدار را میدادند که اجازه ندهید طبقه ممتاز و مرفه جدیدی شکل بگیرد، همان تفکراتی که بهمن ۵۷ از در بیرونشان کردیم از پنجره وارد شوند و همه چیز را بدست گیرند. خواسته امام امت مبارزه عملی و همگانی با مفاسد بویژه مفاسد اقتصادی بود و این را در تریبون‌هایش فریاد میزد اما مسئولین درگیر رقابت بر سر صندلی قدرت و رقابت های سیاسی

سوالی که اکثر افراد از ما دارند این است که چه شد، تشکیلاتی با عنوان عدالتخواهی بوجود آمد؟ بگذارید پیش از معرفی کمی تاریخ را ورق بزنیم و از فضای شکل گیری آن بگوییم: پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، امام خمینی در پیامی در اواخر عمر شریفشان که به پیام تشکیل بسیج دانشجویی و طلبه معروف گردید، ایشان می‌فرمایند که جنگ ما تازه شروع شده: جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار... ایشان در این پیام جبهه های این نبرد تاریخی را تشریح میکنند. امام بخوبی درک کرده بود و میدید که جریان سرمایه داران و زرپرستان دارند تمام تلاش خود را میکنند که دوباره به قدرت بازگردند منتهی این بار با ظاهری متفاوت. همه دم از ولایت و انقلاب می‌زنند، تسبیح بدست دارند و دکمه بالایی یقه شان نیز بسته است اما دنبال این هستند که حکومت را به

این چنین درست نمی‌شود

اندر احوالات تابلوی هشدار دهنده و مصوبه کارشناسی شده نهاد مذکور

واقعا آدمیزاد برخی از نظرات و مصوبات برخی از نهاد ها و سازمان ها رو مبینه تعجب میکنه که چیشد همچین نظری رو دادن؟ مگه با نصب تابلوی ممنوعیت استعمال قلیان چیزی درست میشه؟ اصلا چرا یه آدم قلیونی با دیدن این تابلو باید بگه سمعا و طاعتا!!! مگه چه چیزی و چه حرف و منطق مستدلی تو این تابلو وجود داره که باید روی یک فرد تاثیر مثبت بزاره و فرد متنبه از کرده خودش بشه! تازه مگه با تابلو محتوا دار هم کار درست میشه؟

البته این مصداقی بود بر نقد عملکرد فرهنگی مجموعه ها؛ که با نکن و جیز است، کاری پیش نمی‌رود که هیچ؛ بعد مدتی قبح کار هم برای مردم میریزه و کم کم به یک عادت عمومی تبدیل میشه.

از مسئولین مرتبط با فرهنگ شهرستان درخواست میشود که اندکی تامل کنند و کارهای شدنی با تاثیرگذاری بیشتر رو پیشنهاد دهند.

حل جدید مستقر می‌شوند

نسبت به جمع آوری آنان در طول سال اقدام می‌کنند. معاون خدمات شهری شهرداری رفسنجان نصب تابلوی ممنوعیت استعمال قلیان در برخی بوستان های شهر را از دیگر مصوبات این جلسه بیان کرد و گفت: به منظور جلوگیری از استعمال قلیان، تابلوی هشدار دهنده مربوطه توسط شهرداری در بوستان های آزادگان، نماز و معلم نصب می‌شود.

ویژه موتورسیکلت در بوستان شهید مطهری نیز اشاره کرد



Cartoon : Javad Tarighi Akbarpor FARS NEWS AGENCY

پ ن ۱: نصب تابلو و امثالهم، حداقل کاری است که میتوان کرد. با حداقل‌ها همیشه با حداکثرها جنگید! پ ن ۲: بعد نگیرد شما که نقد وارد میکنید خودتان هم پیشنهاد عملیاتی بدهید! کار شما این است، اگر فرصت فکر کردن ندارید و بلد نیستید، بکشید کنار و یا رویه تون رو عوض کنید.

پ ن ۳: سپاس.

محمد جواد معتمدی نژاد



بر ضررشان بی افزایش

کشاورزانی که خود متضرر از کمبود آب هستند باید هزینه کارهای دیگران را نیز بر گردن بگیرند!!!

وزارت نیرو و... که پولشان از دولت است و اگر در این مسئله اقدامی انجام دهند و یا ندهند و یا هرگونه کم کاری صورت بگیرد باز هم حقوق خود و زندگی خود را دارند. اگر مسئله آب به این اداره ها و دیگر اداره هایی که مربوط به مسئله آب هستند گره بخورد و با هر میزان هدر رفت آب زندگی این عزیزان تحت تاثیر قرار بگیرد قطعاً بحران آب بسیار زودتر حل خواهد شد چراکه کشاورزان نه قدرت آنچنانی دارند و نه رسانه در خدمت آن هاست اما این اداره ها قدرت بسیار بیشتری دارند. از اساس نیز برخی از این اداره ها دقیقاً برای همین کارویژه یعنی مدیریت آب و استفاده از آب های بلااستفاده منطقه به وجود آمده اند. این یعنی فشار بر اقشار مستضعف جامعه و بی توجهی به ریشه مسئله.

کاهش مصرف آب و طبیعتاً کم شدن محصول، چقدر می تواند ادامه دهد تا مخارج زندگی اش درآید؟ زندگی کشاورزان به طور مستقیم تحت تاثیر بحران آب است یعنی هر جا که آب کم شود درآمد کشاورز هم کم می شود پس طبیعتاً هیچ کشاورزی به دنبال آن نیست که آب را هدر دهد. اولین و متضررترین افراد از بحران آب خود کشاورزان هستند و در حال حاضر نیز ما برای حل این مشکل از کشاورزان انتظار داریم که سیستم آبیاریشان را تغییر دهند و یا آب کمتری استفاده کنند!!!

ادارات و نهادهای دیگری وجود دارند که کاملاً مرتبط به این مسئله هستند اما نه نان در گرو آن دارند و نه زندگی شان با نبود آب تحت تاثیر قرار می گیرد. بطور مثال اداره آبخیزداری، اداره آب، جهاد کشاورزی،

مسئله آب در کشور یکی از موارد مهمی است که در سطح رفسنجان بسیار مطرح می شود. عده ی زیادی معتقدند که اگر نحوه مصرف آب را تغییر داده و یا کم کنیم، می توانیم از این بحران عبور کنیم. یکی از راهکارهایی که برای این موضوع مطرح می شود این است که هزینه آب را افزایش دهیم و یارانه آن را برداریم تا نگاه اقتصادی و سود و زیانی مردم به این مسئله بیشتر شود. در واقع افزایش هزینه آب باعث اقتصادی شدن آن و کم شدن مصرف می شود. از راهکار دیگر نیز برای این بحران استفاده از کنتور بر سرچاه هاست.

هر دوی این راه حل ها متوجه کشاورزان است. یعنی در هر دو صورت این کشاورز است که باید کاری کند و مصرف آب را کاهش دهد. حالا آیا با

علمدار قیام مردمی در انتظار رای دادگاه

دانشجویان و رانندگان به همراه سید میثم صفائیان، نوکر و رهبر اعتراض کامیون داران، در دادگاه تجدیدنظر حضور پیدا کردند. این دادگاه ۲۵ مهر در شعبه ۷ تجدید نظر کرمان برگزار شد و طبق گفته های وکیل ایشان امید است که ایشان تبرئه شوند. ما نیز امید داریم که نه تنها سید آزاد شود بلکه پس از آن با فساد در سیستم حمل و نقل و قاچاق کالا برخورد شود و دیگر دست آزاده هایی که علیه فساد قیام می کنند بسته نشود.

حرف از برخی مشکلات که میزنی برخی می گویند هیس. خفه باش. توی پازل دشمن بازی نکن.

گویا از دید آن ها ذکر کردن ظلم ها و بی عدالتی ها بازی کردن در پازل دشمن است! دلیلشان هم آن است که این کار باعث تهیه خوراک برای شبکه های بیگانه می شود و آن ها این موضوع را دست میگیرند و بر ضد جمهوری اسلامی کار می کنند!

ما نیز در جواب به آن ها می گوییم که خجالت بکشید و در پازل پروردگار بازی کنید. چه جای توجیه احمقانه هست که یک شیعه، عدالتخواهی را که از پایه های دین داری اوست را کنار بگذارد آن هم به دلیل سوء استفاده دیگران!!

مگر جمهوری اسلامی هدفی غیر از پیگیری جدی و رسیدن به عدالت دارد؟ حال چطور می شود که اگر در راستای اهداف اصلی انقلاب کار کنیم، رفته ایم در

پازل دشمن ولی اگر از راه اسلام کناره گیری کنیم هیچ مسئله ای پیش نمی آید!!

آن انقلابی که به این مرحله رسیده یعنی یا با اهداف خودش به تناقض رسیده و یا مسئولین امر آن، تکلیفشان با انقلاب مشخص نیست و باید بار دیگر آن را مرور کنند. آن هم انقلابی که خیلی از خودشان در ایجاد و به ثمر رسیدن نقش داشته اند.

مگر غیر از این است که رهبر انقلاب می فرمایند: «ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد»؟

بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۸۳/۸/۶ مگر این امام نمی فرمایند: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد و تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این پایه مشروعیت ماست. اگر ما دنبال عدالت نباشیم حقیقتاً من که این جا نشسته

ام وجود نامشروع خواهد بود. یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود. دیگران هم همین طور.» بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای زنجان ۸۲/۷/۲۲

این از بدبختی ماست که از بس این مسائل را نگفتیم حالا شده امتیازی برای دشمن که با گفتن آن ها می تواند یار گیری کند. همان مسئله ای که برایش انقلاب کردیم حالا دشمن با آن بر ضد ما کار می کند. باید این حماقت را کنار گذاشت و در پازل اسلام بازی کرد و خطوط قرمز خودمان بر اساس دینمان تعیین کنیم. اقدام علیه امنیت ذهنی عده ای خاص که خون مردم را می مکند نباید اقدام علیه امنیت ملی تلقی شود. در واقع شخص نباید خودش را و ذهنش را با ملت اشتباه بگیرد.

